****اتاق بازرگانی، صنایع، معادن وکشاورزی کرمان

**تاریخچه اقتصاد و تجارت کرمان**

کرمان، در عرصه اقتصادی، چهره‌ای روشن داشته و اکثراً خوش درخشیده است و این در حالی است که به گواهی تاریخ، این سرزمین، هرگز از طوفان بلایای طبیعی و انسانی در امان نبوده است. با این همه کرمان در عرصه اقتصادی، دارای ارزش های ماندگار است. به طوری که محمد ابراهیم پاریزی نیز در کتاب سلجوقیان و غز در این باره چنین گفته «کرمان، همیشه یک شهر بین المللی بوده است و ارتباط آن با چین و هند و ترکستان و دریابار، در طول تاریخ همیشه برقرار بوده و هر جا هر محصول خوب را یافته‌اند به کرمان آورده و کاشته‌اند. هم اکنون نام هایی مثل گندم قندهاری و توت هراتی و انگور مقدونی و پسته خنجری و نخود شامی و هندوانه خانومی، در ولایت ما (کوهستان پاریز) شهرت دارند.» اصولا پایه و اساس اقتصاد کرمان بر سه اصل مهم بنیاد نهاده شده است: اول زمین و آب و کشاورزی و دامداری، دوم راه به عنوان شریان حیاتی و زمینه‌ساز تجارت و بازرگانی و سوم معادن و کارگاه‌های صنایع و دست آفریده‌ها.

اگر جیرفت هند ایران؛ سرزمین افسانه های تاریخ، خاستگاه تجارت و بازرگانی را یکی از پرچمداران عزت و عظمت و تمدن تاریخ کرمان بنامیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم زیرا آثار به دست آمده از کنارصندل (این صحیفه گرانبهای روزگاران) نشان می دهد که چگونه این سرزمین در هزاران سال قبل از اقتدار فرهنگی، نظامی، توان اقتصادی، زمینه بازرگانی، قوانین مدنی و ساماندهی اجتماعی و فرهنگی برخوردار بود و مدنیت را به دیگر سرزمین های جهان صادر کرده است. دلیل این بیان، آثار ارزشمند و بخصوص لوح گلی کوچکی است که چنانچه رمزگشایی شود، ما را پیشاپیش بانیان اختراع خط قرار خواهد داد. آنچه در دنیای اقتصاد و تجارت امروز به عنوان برند یا مارک تجاری شهرت دارد، در میان صنعتگران و بازرگانان کرمانی هزاره های پیش از تاریخ نیز وجود داشته است، تولیدکنندگانی که امکان گذراندن علامت ویژه‌ای در پشت کالاهای تولیدی شان وجود داشت با هک نشان های ویژه، به معرفی کالای خود می پرداختند. این اقدام بیشتر نزد سفالگران آن دوره دیده می شد، هدف آنها این بود که پس از صادرات کالاهای شان به سایر مناطق و تمدن های آن روزگار ، به جلب مشتری پرداخته و مرغوبیت اجناس را تضمین کنند. کشف ۳۰۰ اثر مهر با ارزش از کاوش های حوزه هلیل رود، مردم این حوزه را مردمانی تاجر پیشه و بازرگان معرفی می کند.

**اقتصاد و تجارت کرمان در ایران باستان**

تولید تخصصی فلز با نقش‌آفرینی ۵ گروه شامل معدنکاران، گدازگران، ریخته‌گران، بازرگانان و بهره‌برداران از محصولات فلزی در قالب یک خوشه صنعتی از اواخر هزاره پنجم ق.م آغاز شده در هزاره چهارم ق.م توسعه یافته، در هزاره سوم ق.م به اوج گسترش خود رسیده است. بازرگانان جیرفتی، با آگاهی از این نیاز و رابطه ای که با بین النهرین داشتند بخش‌هایی از این بازار را به خود اختصاص دادند و علاوه بر این قسمت هایی از بازارهای داخلی و کشورهای همسایه نیز در اختیار آنها بود «ویژگی های خاص اقلیمی و زیست محیطی از جمله کوه های بلند با معادن گوناگون طبیعی مانند مس و انواع سنگهای صابونی، فیروزه، عقیق و سنگ لاجورد و دشت های وسیع و بسیار حاصلخیز به ویژه از اوایل هزاره سوم پ.م باعث شده است تا این منطقه یکی از مهمترین حوزه‌های تمدنی و کانون های مهم اقتصادی شرق باستان تبدیل شود. افزون بر آن، این حوزه توانسته است با ایجاد ارتباط مستمر با تمدن های ایلام و بین النهرین در غرب و فرهنگ‌ها و تمدن‌های موجود در مناطق جنوبی، شرقی و شمالی در سرزمین های جنوبی خلیج فارس، پاکستان و افغانستان، دستاوردهای فرهنگی و صنعتی خود را به آن سرزمین‌ها صادر کند.[[1]](#footnote-1)

در تمام دوره های پیش از اسلام، نام کرمان با کشاورزی، معدن، راه و تجارت همراه بوده است. استرابو (strabo) جغرافی دان یونانی سرزمین کرمان را در سده اول قبل از میلاد این گونه توصیف می نماید: «...  کارمانیا سرزمینی است وسیع و با ارزش...  این امر به واسطه حاصلخیزی آن است.  زیرا در این سرزمین نه تنها همه چیز حاصل می‌آید ، بلکه درختان آن خود ازعظمت بسیاری برخوردار می باشند...  آب آن از رودخانه های بسیار حاصل می گردد...  می گویند رودخانه ای است در کارمانیا که ذرات طلا در آب آن جاری است.  در آن معادن نقره ، مس و مینیوم (Minium) بسیار است.  و دو کوهستان وجود دارند ، یکی شامل آرسنیک (Arsenic) و دیگری نمک...  که کویری به آن تعلق دارد که تا سرزمین پارت ادامه می یابد. ...  محصولات زمین همچون سرزمین پارس است. ولی از جمله محصولات خاص آن انگور است که ما آن را انگور کارمانیا می نامیم.  درخت های رز گاهی انگور هایی به وزن ۲ کیوبین (Cubin) حاصل می دهند. پلینی (Pliny)  مورخ رومی از اهمیت اقتصادی کرمان در رابطه تجاری اش با امپراتوری روم باستان یاد می کند.»  نشانه های دیگری از اقتدار اقتصادی و تجاری کرمان در دوره های تاریخی پیش از اسلام نیز وجود دارد، تا آنجا که این سرزمین کانون تجارت پیش از میلاد خوانده شده است.

در عصر مادها به عنوان نخستین تاریخ سازان پیش از اسلام، نام کرمان در جمع شهرهای بزرگی چون «کلاه قدیم»، «پارس» و ... آمده است که خود از اهمیت این سرزمین به خصوص در پهنه اقتصاد و تجارت حکایت دارد.  آنگونه که نام کرمان در همه تقسیم‌بندی‌های دوران باستان جزئیات مهم ذکر شده است: «ماد کوچک، آذربایجان، آدیاین (آسور قدیم)، کردون (کردستان)،  ارمنستان بزرگ و کوچک، خوزستان، شوش، خسرون (ادسا یا اورفا) الحضر، کلده قدیم، بابل تا خلیج فارس، پارس، کرمان، سرزمین های مجاور کویر مانند سیستان و ساگارتی، باختر که در مشرق ایران واقعی بوده تا هندوکوشان و کوه های هیمالیا و حوزه سند و حوزه جیحون.[[2]](#footnote-2)»

اگر شاهان ماد، هخامنشی، ساسانی و دیگر قدرت های ایران پیش از اسلام برای کرمان تا آن اندازه ارزش قائل شدند که نام آن را در کنار بزرگترین و مقتدر ترین شهرهای این سرزمین آورده اند، به خاطر اقتصاد پر رونق، و تجارت پویا و زندگی ساز آن بود. یکی از موقعیت هایی که کرمان را به اوج قله اعتبار رسانید، قرار داشتن این سرزمین بر سر راه های گوناگونی بود که رونق تجاری آن را تضمین می‌کرد. در روزگار ساسانیان، درآمدهای حاصله از اقتصاد و بازرگانی در کرمان، تا آنجا بود که حتی شاه ایران، برخی از آنها را صرف عمران و آبادی دیگر شهرهای ایران می کرد که از آن جمله می‌توان به ساختن سد باب الابواب و نیز شهر استرآباد اشاره کرد. این واقعه تقریبا در اکثر تواریخ عصر ساسانی آمده است.

در میان کالاهایی که از راه های مختلف شرق و غرب توزیع می‌شد، نقش کرمان کاملا نمایان است از دریای سنگ های قدیمی، زینت آلات، فرش، بذر گیاهان و گیاهان دارویی، پارچه، فلزات و ...

درباره راه هایی که شاهرگ حیاتی تجارت به شمار می‌رفت و سلوکیان و اشکانیان قدرت اقتصادی خود را در رهگذر آن جستجو می کردند، نام کرمان را می بینیم، یکی از راههای بازرگانی چین و روم شوش را به استخر و کرمان و هند وصل می کرد، در این مسیر به هند و چین کاروانسراهای بسیاری ساخته شده بود ، بازرگانان ایرانی و دولت اشکانی از فروش ابریشم چینی به روم و فروش بلور های رومی به چین درآمد سرشاری داشتند و در برابر کالاهای فروخته شده به روم  مقدار زیادی طلا از ایشان به دست می آوردند. کاروانسرای «هندوها» یادگار همین دوران است از جمله راه های ارزشمندی که کرمان از آن بهره فراوان می برد، راه ادویه یا فلفل بود که مدتها گذرگاه ادویه هندوستان به کرمان و شهرهای مسیر به شمار می‌رفت.

یکی از صادرات کرمان شاید در زمان هخامنشیان مس بوده است، که ذرات طلا در آن نیز وجود داشت این مس را از معادن «بهرآسمان» (حوالی جیرفت) به دست می آوردند و آن را مسگرها در کرمان جام روئین می ساختند که خیلی معروف بود و درخشندگی خاصی داشت. در متن تاریخی داریوش نیز سهم کرمان و صادرات آن را در هنر و معماری کاخ شوش هخامنشی می بینیم.

در روایات شهر کرمان را شهر ابریشم نیز می گفته اند. شهر بم در گذشته در مسیر جاده ابریشم بوده و نیز یکی از مهمترین مراکز تولید و پرورش کرم ابریشم محسوب می شده است. جاده ابریشم از کوهبنان، بم، جیرفت می گذشته و بیشتر شهرهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار داشته اند به طریقی تحت تاثیر ابریشم قرار می گرفته اند و منابع ابریشمی نظیر بافت قالی، پارچه ابریشمی در آنها شهرت داشته است و یا در هر حال یکی از کالاهای صادراتی آنها به فراخور حال مردم اوضاع منطقه‌ای محصولات ابریشمی بوده است.

موقعیت مناسب و بایسته کرمان در عرصه پرورش کرم ابریشم و تولید محصولات ابریشمی با پشتوانه ای آنچنان گرانسنگ ادامه پیدا کرد و زمینه ای را به وجود آورد که نه تنها در عرصه تولید شال، زبانزد شد، بلکه در سایر موارد و تولید پارچه‌های ابریشمی نیز در گذر تاریخ ، صاحب نام و آوازه گردید.

**اقتصاد و تجارت کرمان در ایران پس از اسلام**

کرمان در دوره سلجوقیان (433-583 ه.ق) یکی از پرشکوه ترین روزگاران تجاری خود را تجربه کرد ، روزگاری که رایت پر افتخار اقتصاد و تجارت این سرزمین، بر بلندای جهان آن روز به اهتزاز درآمد و کرمان در پهنه تاریخ، نام و نشانی مثال زدنی یافت.  دوران طلایی تاریخ کرمان، دورانی صد و پنجاه ساله و دویست ساله است که قاوردی ها و قراختائیان بر آن فرمان می راندند[[3]](#footnote-3)». بی‌گمان، این توانایی برگرفته از قدرت حاکمیت است.

زمان صفویه نیز از دوران شکوفایی اقتصاد کرمان است و بازار کرمان پایگاه اقتصاد و سیاست و تجارت محسوب می شد. در باب ارزش و اهمیت اقتصادی بازار کرمان همین بس که «در این دوران (صفویه) با توجه به فعالیت های فراوان و پرحجم اقتصادی تولیدی در شهر و بازار کرمان به ویژه کاروانسراها ، شهر کرمان تبدیل به یک شهر گمرکی شده که در آن، هم راهداری و هم حقوق گمرکی وجود داشت[[4]](#footnote-4).» بازار کرمان محل تجمع و تمرکز کل تولیدات منطقه وسیعی بود که از یزد تا هرمز و مکران را در بر می گرفت و نتیجه کل روابط شهر کرمان و روستاهای اطراف در بازار کرمان تجلی می نمود.  بازار کرمان که پر از حجره و کاروانسرا بود مرکز اصلی بازرگانی شهر و منطقه را تشکیل می داد. در میان زمینه های تجاری و اقتصادی روزگار شاه عباس و نماینده او در کرمان یعنی گنجعلیخان، قالی یکی از مهم‌ترین اقلام تجاری بود که به نظر می‌رسد کیفیت بالایی داشته است. آن طوری که از ظواهر امر برمی آید در این دوران درآمد عمومی مردم به حد قابل توجهی بالا رفته بود و بهترین دلیل آن تاسیسات شهری «گنجعلیخان» است. عایدات عمده کرمان در زمان صفویه از راه تجاری بندرعباس و تجارت ابریشم بود، به همین سبب آبادانی زمان گنجعلیخان معروف است. راه اندازی ضرابخانه کرمان توسط اقتصاد کرمان را دگرگون ساخت، گنجعلیخان همچنین راهها را امنیت کامل بخشید، تعداد زیادی کاروانسرا بنا کرد و بالاخره تجارت این دیار را رونق بسیار داده بود و به نوعی ضرب سکه را مهر زدن بر همه این ارزش ها منظور کرده بود. گنجعلیخان می‌خواست با ضرب سکه و ساخت ضرابخانه در کرمان ، توجه سایر شهرها و حتی کشورهای تجاری آن روز را به کرمان و اقتصاد و تجارت آن جلب کند و بر گسترش این رابطه‌ها بیفزاید، زیرا در آن روزگار وجود ضرابخانه در یک شهر، نشانه بزرگی و عظمت اقتصاد و تجارت آن بود. دستاوردهای گنجعلیخان و حاصل تلاش های گسترده او در زمینه های گوناگون عمرانی و اجتماعی و اقتصادی ، موجب شد تا بازار صادرات کالاها و دست آفریدهای کرمان رونق بگیرد و این سرزمین ، آنگونه که شایسته است و به همگان معرفی شود. از جمله صادرات عمده کرمان در آن روزگار، ابریشم، کورک، شال و برخی موارد خوراکی بود.

در دوران قاجار خدمات آقا محمد خان با همه رذالت هایش به امر تجارت و بازرگانی ایران و رونقی که بعدها کرمان را نیز بی‌بهره نگذاشت، قابل توجه است. آقا محمد خان پس از آنکه بر تخت شاهی نشست و تهران را به عنوان پایتخت خود برگزید و همه صداهای موجود در پهنه رقابت را قطع نمود، رونق اقتصادی و تجاری را وجهه همت خویش نمود، در گسترش فرهنگ صنایع دستی کوشید و بلاخره زمینه ای را به وجود آورد که کالاهای ایرانی راهی بازارهای جهانی شود که در این میان سهم کالاهای تولیدی کرمان و محصولات و مصنوعات این دیار نیز قابل ذکر است. «در این دوره قالی، پارچه های زردوزی شده، برک و اشیا منبت و خاتم کاری شده، ظروف از طلا و نقره و برنج و مس که تزئین گردیده، پوست و پنبهبه خارج از کشور صادر می شده است. همچنین از کرمان خشکباری چون پسته، بادام، برگ هلو، زردآلو، خرما و گیاهان دارویی مثل کتیرا، آنقوزه نیز به بازارهای جهان فرستاده می شد. اکثر جهانگردانی که در آن روزها به ایران و کرمان آمده اند از توجه به تجارت و احترام تاجرها و بازرگانان سخن گفته اند. اگر کاروانسرا را نشانه پویایی اقتصاد و جنب و جوش تجارت و سرزندگی جامعه بدانیم در این صورت می‌توان گفت، کرمان در روزگارگذشته، از تمامی این ارزش ها به طور کامل برخوردار بوده است، کاروانسراهای بیرونی و درون شهری، همه پرتحرک و پر هیاهو بوده و رفت و آمد در آنها ادامه داشته است. یک جهانگرد انگلیسی که روزگار قاجار به کرمان آمده و شاهد این سر زندگی بوده، وضعیت کاروانسراهای شهر را اینگونه بیان می کند. «در کرمان کاروانسراها مرکز تجارت اند. در دو سوی بازار کرمان تعداد زیادی از آنها وجود دارد مکان های جالبی است. حیاتی بزرگ در وسط و سکو هایی بلند در اطراف دارند که شش تا ده فوت ارتفاع آنان است...[[5]](#footnote-5)»

در اوایل قرن نوزدهم میلادی کارخانه های عمده کرمان عبارت بودند از: شال بافی، قالی بافی، نمدمالی، تهیه لباس های نخی، قندسازی، تفنگ سازی و سفالگری. بنا به گفته مورخین خرما و پنبه در سیرجان و شهربابک و ابریشم در بم و کتیرا و صمغ در مناطق وسیعی از ایالت کرمان به عمل می آمده است.

در روزگار پهلوی اول، برخی پدیده های مرتبط با تجارت و به طور کلی اقتصاد این دیار، دگرگونی یافته است، زیرا بر اساس مدارک موجود، راه اندازی واحد های گوناگون صنعتی و تولیدی و گشایش بیمارستانها و مدارس و آموزشگاه ها و ... به گردش چرخ های اقتصادی و تجاری، کمک کرد. به عنوان نمونه می‌توان به تاسیس کارخانه نخ ریسی خورشید اشاره کرد. در روزگار پهلوی‌ها، کشت پسته در رفسنجان و کنار رفتن کشت پنبه ، در این شهرستان زمینه دگرگونی عمیق اقتصادی و تجاری کرمان را فراهم ساخت. این پدیده به زودی به شهرهای دیگری چون کرمان ، زرند و سیرجان سرایت کرد و در مجموع، استان کرمان را از این جهت در مرتبه بالایی قرار داد. دگرگونی در کشت و برداشت و گسترش نخلستان ها و باغ های مرکبات نیز زمینه ساز رونق افزون اقتصادی و تجاری کرمان شد، اگرچه بازار برخی تولیدات، از قبیله حنای کرمان، بی رونق شد و دیگر از معاملات گسترده پیشین خبری نبود. از اقداماتی که در بخش صنعت و معدن در روزگار پهلوی دوم صورت گرفت می توان به بهره‌برداری گسترده از معادن زغال سنگ هجدک، باب نیزو، دره گز و پابدانا، راه اندازی کارخانه ذغالشویی زرند و ریگ آباد، بهره برداری از معادن مس سرچشمه، بهره برداری از معادن مواد اولیه مورد نیاز سیمان و راه اندازی کارخانه سیمان کرمان به انجام مطالعات اولیه و اکتشافی معدن گل گهر اشاره کرد. همچنین تجارت صنایع و هنرهای دستی نیز در روزگار پهلوی، از روند ویژه‌ای برخوردار بود.

پهلوی و اتاق تجارت:

گرایش پهلوی به مدرنیسم و توسعه روابط با کشورهای گوناگون، لزوم پاسخگویی به ضرورت های جدید را فراهم نمود، کشورهایی که تجار ایرانی با آنها رفت و آمدهای تجاری و اقتصادی داشتند، نیازمند آگاهی های بیشتری در مورد بازرگانان بودند، اینک نهاد مشخصی باید دارای این اطلاعات باشد تا بتواند نیاز یادشده را مرتفع کند.

به این ترتیب اتاق های تجارتی ایرانیان در برخی از کشورها، فعالیت خود را آغاز کردند، اقدامی که پاسخی به درخواست آنها بود، چرا که در صورت بروز اشکال و اختلافات مالی در امور تجاری میان تجاری دو کشور، نهادی مشخص می توانست جوابگو باشد.

همزمان با اتاق های یاد شده، دستور تاسیس اتاق تجارت داده شد. در ماده اول نامه ای که اتاق تجارت به وزارت تجارت و فواید عامه نوشت، نام کرمان را در کنار شهرهای دیگری چون تبریز و مشهد و ... آورده است.

**اقتصاد و تجارت کرمان در ایران پس از انقلاب**

پس از انقلاب در این میان سهم راه اندازی واحدهای تولیدی مادر و سامان یابی برخی معادن بزرگ تا آنجا بود که می‌توان گفت حیات اقتصادی کرمان را دگرگون ساخت. راه اندازی مجتمع مس شهید باهنر و فرآورده های ارزشمند این فلز که جهانی نیازمند آن است، مجتمع فولاد گل گهر سیرجان، راه اندازی معدن و کارخانه مس میدوک، کارخانه‌های گران سنگی چون لاستیک بارز، خودروسازی بم، انواع و اقسام واحدهای دیگر چون تولید سیمان، کارخانه های مختلف در شهرک های صنعتی سراسر استان و در کنار آن تحولات عمیق و دیگر در زمینه کشاورزی و گسترش صادرات پسته، گلیم و... همه و همه، نشانی از این پیشرفت چشمگیر و تحول بنیادی در استان کرمان است. با این همه آن گونه که در آمار گمرک کرمان آماده است، تا قریب پنج سال پس از انقلاب اسلامی، کرمان صادراتی نداشت، در حالی که هر سال بر وارداتش افزوده می شد.

بعد از آن و تا سال های بعد از جنگ تحمیلی نیز طبیعتاً به دلیل شرایط غیرعادی حاکم بر کشور آمار رسمی برای مراودات تجاری نه در سطح استان و نه حتی کشور ثبت نشده است و در دسترس نیست اما بررسی روند تجارت استان طی دهه هفتاد (نمودار ...) نشان می دهد که استان کرمان طی این دهه به طور میانگین بیش از 280 میلیون دلار صادرات و 60 میلیون دلار واردات داشته به عبارتی کرمان در این دهه حدود 220 میلیون دلار تراز تجاری مثبت داشته است این روند طی دهه هشتاد (نمودار ....) به 516 میلیون دلار صادرات در مقابل 160 میلیون دلار واردات و 356 میلیون دلار تراز تجاری مثبت رسیده اما در دهه نود اگرچه روند صعودی صادرات و واردات با تحقق حدود 970 صادرات و 770 میلیون دلار واردات حفظ شده اما به دلیل شیب بیشتر رشد واردات استان در نهایت طی این دهه شاهد کاهش نسبی تراز تجاری به مثبت 200 میلیون دلار هستیم همچنین در این دهه متاسفانه در سال های 1396 و 1397 شاهد تراز تجاری منفی برای استان بوده ایم.

نمودار1: تجارت استان کرمان طی دهه 70

نمودار2: تجارت استان کرمان طی دهه 80

نمودار3: تجارت استان کرمان طی دهه 90

مقایسه این سه دهه دو نکته را به همراه دارد اول این که مقادیر واردات و صادرات استان هر دو افزایش یافته و این افزایش روابط تجاری استان را نشان می دهد و دوم این که فاصله صادارت و واردات طی دهه اخیر کاهش یافته که به معنای کاهش تراز تجاری استان است.

به طور کلی همانطور که در نمودارها مشاهده می شود می توان نتیجه گرفت که به طور میانگین طی سه دهه اخیر همواره روند صادرات و واردات استان کرمان افزایشی بوده است هرچند طی سال های 1392 تا 1397 صادرات استان از قله 1.5 میلیارد دلار به دره 400 میلیون دلاری کاهش یافته و دوباره در سال های اخیر روند صعودی خود را از سر گرفته است همچنین در نمودار مذکور در سال 1397 شاهد پیک واردات استان به مبلغ 1.7 میلیارد دلار هستیم.

نمودار تجارت استان کرمان طی دهه 90

1. مجیدزاده یوسف، (1387)، مقدمه چکیده مقالات همایش تمدن جیرفت، تهران انتشارات فرهنگستان هنر، ص 13. [↑](#footnote-ref-1)
2. قدیانی، عباس، (1384)، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلوکیان و اشکانیان، تهران انتشارات فرهنگ مکتوب، چاپ اول، ص 32. [↑](#footnote-ref-2)
3. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (1391)، گرگ پالان دیده، تهران نشر علم، چاپ اول، ص20. [↑](#footnote-ref-3)
4. پوراحمد، احمد، (1376)، جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان، کرمان، انتشارات مرکز کرمانشناسی، ص 191. [↑](#footnote-ref-4)
5. ساویچ لندور، هنری آرنولد، (1388) ایران در آستانه مشروطیت، تهران انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ص 306. [↑](#footnote-ref-5)